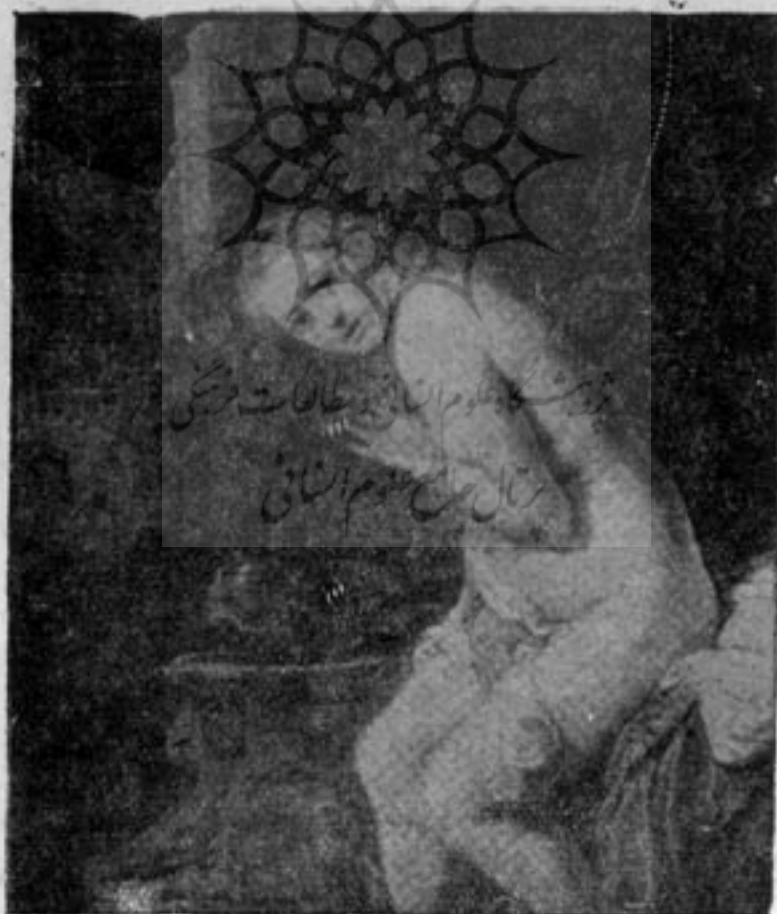


رامبران

(بمناسبت سیصد و پنجاهمین سال تولداو)

سال ۱۹۵۶ میلادی که این روزها پایان میرسد مصادف بود با سیصد و پنجاهمین سال تولد یکی از بزرگترین و معروفترین نقاشان جهان که در ایران نیز کم و بیش نامش بر زبانهاست. رامبران پیشوا و استاد شیوه‌ایست که در تاریخ نقاشی به «شیوه هلندی» شهرت دارد. کشور هلند در اواخر قرن شانزدهم میلادی پس از کوششها و فداکاریهای دلیرانه استقلال یافت و پس از آن رونق هنر هلندی ناگهان آغاز شد و هنرمندان بزرگی بظهور رسیدند.



«سوزانا» در حمام - کار رامبران

هنر هلندی از جریانی که در تاریخ ادبیات و هنر اروپا به «رنسانس» معروف است برکنار ماند، زیرا که مذهب و تاریخ و نژادش با کشورهای که شیوه رنسانس در آنها پیدا شده بود اختلاف داشت. شاید اگر واقعه «اصلاح مذهبی» لوثر روی نداده بود هنر هلندی همچنان شعبه‌ای از هنر فلانماندی بشمار میرفت، مذهب لوثر که بزودی در هلند رواج یافت هنرمندان را از قید دربار و کلیسا آزاد کرد. از آن پس نقاشان در پی آن برآمدند که تمایلات عامه و خصوصاً طبقه متمول جمهوری خواه را در هنر خود مراعات کنند.

باین سبب، در آثار نقاشان هلندی این دوره بجای آنکه مانند هنرمندان سابق فقط مجالس مذهبی از قبیل تولد عیسی و واقعه صلیب کردن او و معراج و مانند اینها تصویر شود مجالسی از زندگی عادی مردم هلند با پرده‌های بزرگی از اجتماع قضاوت و شهرداران و بزرگان شهر نیز نقاشی شده است.

مؤسس شیوه هلندی نقاش بزرگی بنام فرانس هالس Frans Hals بود که در تصویر چهره استادی تمام داشت، پس از او، از جمله استادان بزرگ هلندی ورمیر Vermeer را نام باید برد. شماره استادان این شیوه

طرح قلمی فرزندان اهل کار دامبران



بسیارست هر يك از ایشان در هنر خویش خصوصیاتى دارند که از هنر همشهریان دیگرشان ممتازست. اما در این میان کسی که نامش همه نامهای دیگر را تحت الشعاع گذاشته و مایه افتخار هنر هلندی شده است رامبران Rembrandt است.

رامبران مانند همه نقاشان هم نژاد خود در کشیدن چهره آدمی استادی تمام دارد. اما در نقش چهره هر کس می کوشد که خصوصیات روح و خوی او را نیز روی پرده بیاورد.

رامبران پسر آسیا بانی از مردم شهر لیدن Leyden بود در خانه، مادرش او را بخواندن کتاب مقدس عیسویان (توراة و انجیل) ترغیب کرد و باین سبب خیال هنر آفرین او، هر گاه از مشاهده و تصور زندگی واقعی هلند فراغتی می یافت بسوی شهر بیت المقدس پرواز می کرد و داستانهای مذهبی را مجسم می ساخت، چون دوره تحصیل دبیرستانی را پایان رسانید

چهره نقاش - بقلم خود او

بدانشگاه وارد شد، اما ذوقی بآموختن مواد علمی نشان نداد سر انجام بشاگردی نزد یکی از نقاشان محلی رفت. استادش تنها این هنر را داشت که مدتی در ایتالیا بسر برده بود. پس از آنکه شش ماهی نزد استادی دیگر کار کرد، از راه علوم انسانی و مثالاً تاریخ و فلسفه معلم چشم پوشید و نزد خود بکار پرداخت. بیست و یک ساله بود که توجه گروهی از هنردوستان را بخود جلب کرد و از زادگاه خویش به آمستردام رفت و در آنجا بعنوان نقاش چهره نگار بکار پرداخت. باین وسیله بود که توانست شهرت و محبوبیتی بیابد و امر معاش خود را بگذرانند.

از راه علوم انسانی و مثالاً تاریخ و فلسفه معلم چشم پوشید و نزد خود بکار پرداخت. بیست و یک ساله بود که توجه گروهی از هنردوستان را بخود جلب کرد و از زادگاه خویش به آمستردام رفت و در آنجا بعنوان نقاش چهره نگار بکار پرداخت. باین وسیله بود که توانست شهرت و محبوبیتی بیابد و امر معاش خود را بگذرانند.



در آمستردام با زنی بنام
 ساسکیا ازدواج کرد و خانه
 زیبایی خرید و اناث زندگی را
 ترتیب داد، اما در سال ۱۶۴۲
 زنی در گذشت و بی اعتنائی
 محیط نسبت به تجدد و تنوعی
 که او در کار خود بوجود
 آورده بود موجب شد که
 رامبران کم کم از شیوه مورد
 پسند جامعه هلندی روگردان
 شود. سلیقه زمانه در پرده‌های
 نقاش چنان می‌پسندید که همه
 اشخاص بطور صریح و برجسته
 تصویر شوند. رامبران بخلاف
 این سلیقه متداول در پرده‌های
 خود می‌کوشید که مفهومی خاص
 از مجلس تصویر بیرون بکشد



مادر نقاش

و باین منظور همیشه چند قیافه را در روشنی قرار می‌داد و قیافه‌های دیگر را
 در سایه بطور مبهم‌تری تصویر می‌کرد.
 روح نقاشی رامبران روشنی است. نقاش می‌کوشد که بوسیله تضادی
 که میان سایه روشن پرده خود بوجود می‌آورد فاجعه زندگی بشری و عشق
 آسمانی و اسرار روح و حقیقت چهره تصویر شده را نشان بدهد.
 اعراض هنرمند از محیطی که ارزش هنر او را در نمی‌یافت موجب شد
 که وی بموضوعات مذهبی روی بیاورد و در این راه بیشتر بجلوه ظاهری نقاشی
 توجه کند.

نقاش با محیط خود روابط خوبی نداشت. مردم قدر هنرش را آنچنانکه
 خود هنرمند متوقع بود نمی‌شناختند. روابط او با زنی که خدمتکارش بود
 بیشتر موجب شد که با جامعه قطع مراد کند. اما در همین حال، با کمال قدرت
 بکار مشغول بود.

در سال ۱۶۵۷ با آنکه هنوز سفارشهایی برای کشیدن پرده‌های بزرگ
 باومی دادند، وضع معاش هنرمند مختل شد. خانه خود را با مجموعه طرحهایی



در حدود سال ۱۶۲۸ «جرارد دو» نقاش چهل ساله پشاکردی رامبران آمد. استاد و شاگرد هر يك صورت دیگری را نقش کرده اند.

شاگرد - کار رامبران

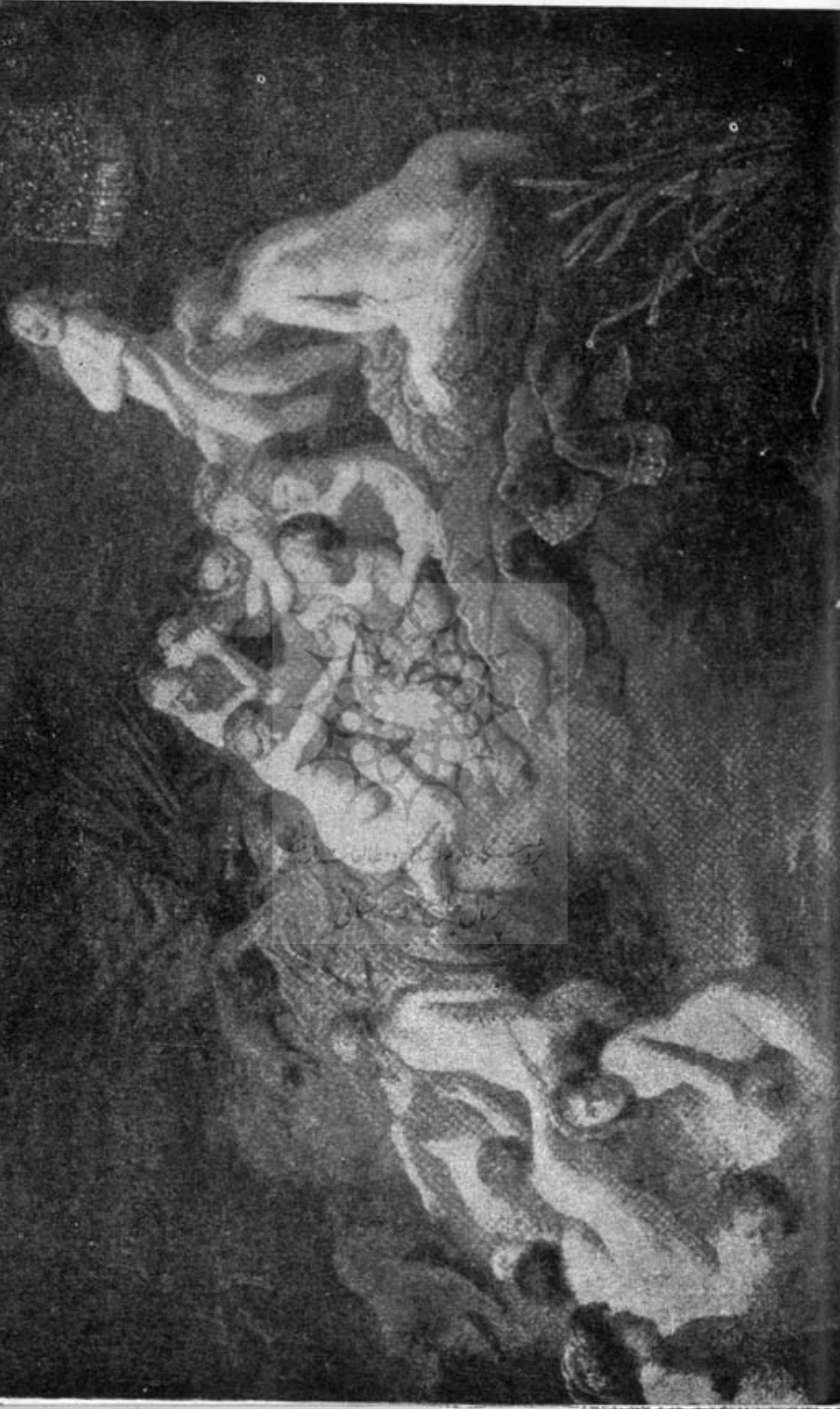
که در عمر خود گرد آورده بود فروخت و در یکی از محله های تاریک بیرون شهر آمستردام مسکن گزید. معینا آثاری که در این دوران بوجود آورده است بهیچ وجه حاکی از ضعف روحی و فقر و بیچارگی نقاش نیست. حتی برغم این عسرت معیشت، در پرده های نقاشی او، جلوه رنگهای شفاف و طلائی و دقت در تحلیل قیافه و نمایش روح اشخاص بسیار بیشتر شده است.

در چهره هائی که رامبران نقش کرده آنچه بیشتر جالب توجه است برق نگاه اشخاص است. گوئی نقاش خود از پشت نگاه قیافه های مختلف جاودانه بنا می نکرد. رامبران در شصت و سه سالگی، سال ۱۶۶۹ در گذشت اما از آن روز تا کنون نام و شهرت او پیوسته رو برترقی و کمال بوده است.

امسال در همه جای دنیا بیاد سیصد و پنجاهمین سال تولد رامبران مراسمی برپا شد و نمایشگاهها از آثار او ترتیب دادند و هنرمندان در باره شیوه کار او بحثها کردند در این باب کتابها و رسالات متعددی انتشار یافت. پ.



استاد - کار «جرارد دو»



موسسه تحقیقات و نشریات اسلامی
تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۰